

نگرشِ اسلام به صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی در طراحی شهرهای اسلامی

سید عزیز سید ولیلو (دانشجوی دکترا فقه و حقوق اسلامی Sseyedaziz@Yahoo.com)
سیامک شاکر سلطان احمدی (دانشجوی دکترا حقوق جزا و جرم شناسی
Siyamak.Shaker94@Gmail.com-09125612473).

چکیده

موضوع علم حقوق، انسان است و نحوه ی بهره مندی انسانها از حقوق شهروندی، از مباحث مهم نظامهای حقوقی دینی و غیردینی است، از سوی دیگر جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم الگوی زندگی اسلامی را در تمامی ابعاد آن، به عنوان ارزش مطرح می کند. یکی از چالشهای کنونی نظام برنامه ریزی و مدیریتی، حقوق شهروندی و صیانت از امنیت عمومی شهروندان بشمار می رود که در بسیاری از متون شهرسازی معاصر، بر ارزشمند بودن این مسئله تاکید شده است و این درحالیست که روایات دینی متعددی نیز مبنی بر عدم رعایت الگوهای اسلامی در طراحی شهرها و اماکن و همچنین عدم مطلوبیت همجواری ابنیه های مختلف که در نهایت امنیت شهروندان و اصول ارزشی اسلامی را مورد تهدید قرار می دهد وجود دارد.

نسان و محیطی که در آن زندگی می کند کلیتی تفکیک ناپذیر از یکدیگرند، این محیط عرصه کارکردها و تعاملات اجتماعی می باشد و برای تداوم و بقای این حضور و تعامل امنیت نیاز اساسی است

امنیت بستر تجلی همه نعمت های زندگی است. هرگاه امنیت از میان برود، سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد، در یک محیط ناامن امکان زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکر، تلاش و کوشش، برای پیشبرد هدف های اجتماعی وجود ندارد. دین اسلام به موضوع امنیت به عنوان یک اصل مهم در زندگی نگاه کرده و سایر مسائل را منوط به امنیت کرده است لذا در این راستا مهمترین اصل شهرنشینی، امنیت است. البته ظهور شهر امن در حذف ناامنی از شهر

است. این پژوهش قصد دارد با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و به کمک جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای، به بررسی این عنصر ارزشمند در شهرها بپردازد. بطور کل، هدف این پژوهش، بررسی نگرش اسلام در این زمینه است و سعی شده از میان منابع مورد بررسی، حد بهینه ای را استخراج کند.

کلمات کلیدی: اسلام، امنیت عمومی، حقوق شهروندی، طراحی شهرهای اسلامی - ایرانی

مقدمه

باور دیرین در تمام بینش‌های توحیدی، شهر را به گونه‌ای نمادین محل و عامل ارتباط بشر با جهان هستی می‌داند تا جاییکه انسان تعادل خویش را بین جسم، روح، زمین و آسمان بدست می‌آورد. دین اسلام نیز دینی است که در آن، قرآن کریم همواره انسانها را به همزیستی مسالمت‌آمیز فرا خوانده و بر اساس آن عدالت اجتماعی را برای تمام ساکنان خود تأمین می‌کند. این موضوع در شهر اسلامی نیز تبلور یافته و در شکل‌گیری ساختار فضایی-کالبدی آن تأثیر بسزایی داشته است. در تفکر اسلامی باور دیرین نسبت به تقدس شهر، الگوی هندسی قبل را در هم می‌شکند و شهرها را بر مبنای یک جهت شکل می‌دهد. جهتی که در گستره جهان رو به سوی کعبه دارد. اینبار نه یک شهر که جهان اسلام بر اساس الگویی مقدس متبرک می‌شود و کثرت تمدن اسلامی به وحدت می‌رسد.

موضوع حقوق شهروندی را همچنین می‌توان با نگاهی به موضوع حقوق عمومی و انواع آن که از نهج البلاغه نیز قابل استخراج است بیان نمود. این دسته از حقوق که از مهمترین موارد حقوق بشرند، عبارتند از: حق حیات، حق آزادی و مساوات. (محقق داماد و وصالی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴) لذا موارد متعددی را در نهج البلاغه می‌توان برشمرد که حاکی از توجه و محترم شمردن حق شهروندی در هر زمان و مکانی می‌باشد.

در نگرش کلی امنیت، مفهومی عام و «عبارت از تأمین خاطری است که براساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشد». ملاحظه می‌شود که براساس این تعریف، امنیت نهادی چند معنایی است که گستره‌ی وسیعی از حقوق و فعالیت‌های انسان را زیر پوشش قرار می‌دهد؛ مفاهیمی نظیر امنیت قضایی، حقوقی و اجتماعی در این گستره‌ی وسیع قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، امنیت انسانی مقوله‌ای عام است که در کشور ما حتی امنیت حقوقی را نیز در برمی‌گیرد. این، در حالی است که در کشورهای دیگر مانند فرانسه مفهومی مضیق از امنیت؛ یعنی امنیت جانی و مالی مورد نظر است و برای مثال امنیت حقوقی در عرصه‌ای جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد.

نگاه تاریخی به الگوهای زیستی نشان می‌دهد امنیت نقش اساسی در شکل‌گیری و تکامل الگوهای زیستی و منشا پیدایش زندگی به صورت جمعی و یکجانشینی است.

امنیت سایر ابعاد زندگی را تحت تاثیر قراردادده و در واقع احساس امنیت لازمه حیات زندگی بشری است.

فضاهای عمومی شهری در واقع بخش های کالبدی عرصه عمومی محسوب میشوند ، بدیهی است فقدان و یا ضعف فضاهای عمومی بسیاری از فعالیت ها ، رفتار ها و کنش های عرصه عمومی در محل مناسبی بروز و ظهور نخواهد کرد. ترس های ناشی از نا امنی اجتماعی و اقتصادی پیش آمده در مکان های عمومی ، می تواند برای عموم فضاهای شهری زیان بار باشد.

امروز شهروسازان، معماران بیش از پیش به میزان قابل توجهی به این واقعیت دست یافته که مفهوم ساخت فضا منحصربه جنبه معماری آن نیست و میبایست از ره آورد جامعه شناسی نیز استفاده کنند. لذا جامعه شناسان طراحی شهری، نبود بن مایه های زیباشناسی انسانی (امنیت، تعلق خاطر داشتن، نظم، خوانایی و .. در طراحی و ساخت فضاهای معماری و شهری را از عوامل شکست فضاها و ناراضی مردم می دانند. بدین ترتیب این نیز هنر طراحان و دست اندرکاران مسائل فضاها است که با چیدمان صحیح و استفاده بجا ضمن به وجود آوردن محیط و منظر مناسب و عملکردی درخور استفاده ساکنین، به مسائل روحی، روانی و آرامش بخش محیط نیز توجه کافی داشته باشند.

فرانسیس تیبالدز در کتاب خود ((شهرهای انسان محور)) ب رای دستیابی به شهری مردمی و برای همه ، چند شاخصه برای آن در نظر میگیرد که عبارتند از: تنوع بخشی فعالیتها و اختلاط کاربریها، حفظ فضاها و یافته های گذشته، توجه به مقیاس انسانی، آزادی در حرکت پیاده، دسترسی برای همه، شفاف سازی و خوانایی فضاها، خلق محیط های پایدار، هدایت تغییرات در طراحی ها تاکنون و ارتباط طراح با استفاده کننده از فضا.

دو محقق کانادایی (کرل و واتیزمن) رویکرد شهرهای امن را با تاکید بر مدیریت و پیشگیری جرم در محله پیشنهاد کردند.

تاریخ حقوق شهروندی در ایران

ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، که به منشور حقوق بشر معروف گردیده، بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. فرمانهایی مثل منع برده داری و به اسارت گرفتن، رعایت

حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و ... در اسناد به دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است. اما در تاریخ معاصر ایران چندان نمی توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نداشته است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم در ایران توسط نظام منحط شاهنشاهی بوده است. در ادبیات فارسی نیز چندان نمی توان ریشه های حقوق انسان را جز در ادبیاتی پراکنده و نامدون نظیر "بنی آدم اعضای یکدیگرند..." یافت و چون ضمانت اجراهای چندانی نداشته است، به صورت اندرزه های اخلاقی و حکمت باقی مانده است. یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر اعلام شده است که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است.

هرچند مقوله هایی از جمله شهروند، فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی، سیاسی و جامعه شناسی ایران واژه هایی جدید به شمار می آیند ولی از نظر مفهومی کاملاً شناخته شده هستند. با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه های عادلانه و روند منصفانه دادرسی ها از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی و حتی در فرمان هشت ماده ای امام در سال ۶۰ حقوق مردم و حقوق عمومی این معنا تصریح شده است. اصطلاح و واژه «حقوق شهروندی» برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه قضاییه در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد.

مفهوم شهروند

شهروند از شهر (city) ریشه میگیرد و (city) از واژه لاتینی "لویتاس civitas" مشتق است. لویتاس تقریباً معادل واژه پلیس (plie) در زبان و فرهنگ یونانی است. بنابراین، شهر تنها مجتمعی از ساکنین یک منطقه معین نیست بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلی را افاده می کند. به همین دلیل است که شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی شود بلکه معنای فراتر از آن را به همراه دارد.

شهروند ضمن اینکه ساکن شهر است در سازماندهی شهر و تدارک و تنظیم قواعد زندگی در شهر و تدوین قانون حاکم بر شهر و مملکت نیز مشارکت دارد.

شهروند ترجمه واژه (citizenship) است. اصطلاح مذکور در قرن هفدهم وارد ادبیات حقوقی و سیاسی شد. تحولات تاریخی ناشی از مبارزات اجتماعی مردم اروپا برای کسب حقوق برابر و رفع تبعیض و الغای سنت‌های دوران فئودالیتیه موجب تولد این اصطلاح گردید. اصولاً این اصطلاح در ادبیات فارسی و حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می شد. به عبارت دیگر در سلسله مراتب نظام اجتماعی، مردم، رعیت پادشاه و تابع و فرمانبردار او تلقی می شدند. بعد از مشروطیت حتی پس از تصویب قانون مدنی، افراد جامعه ایرانی از دیدگاه حقوقی، تبعه دولت ایران معرفی می شدند. یعنی ایرانیان به عنوان تبعه باید تابع دولت متبوع خود باشند. به ظاهر اولین فرهنگ فارسی که کلمه شهروند را در خود جای داده است فرهنگ فارسی امروز است (فرهنگ فارسی امروز، ۱۳۷۳) که در آن، این تعریف ارائه شده است "کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد".

شهروندی از دیدگاه اسلام

با توجه به کرامت و ارزش ذاتی انسان در مکتب اسلام، می توان گفت که در این مکتب تعریفی با معیارهای امروزی برای شهروندی وجود ندارد. اسلام ضمن ارج نهادن به کرامت انسان ها چه مسلمان و چه غیر مسلمان، پیروان دین اسلام را امت واحد می داند؛ (وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ) (مؤمنون ۲۳: ۵۲).

لذا در نظام سیاسی اسلام، مسلمانان به مانند پیکر واحدی هستند که در این پیکر تمامی اعضا به یک اندازه مهم هستند. آنچه امروزه از آن به عنوان شهروندان ملی و جغرافیایی یاد می شود، در اسلام حجتی برای آن وجود ندارد. در اسلام، معیار عقیده است که مرز میان مسلمان و غیرمسلمان را جدا می کند. قرآن کریم مؤمنان به اسلام را برادران دینی می داند (حجرات ۴۹: ۱۱) که شعوبیت و قومیت صرفاً جهت تمایز آنان از یکدیگر است و برتری اهل ایمان بر یکدیگر فقط در تقرب به خداوند و پرهیزکاری است (حجرات ۴۹: ۱۳)

ایدئولوژی اسلام توانسته است ضمن ارج نهادن به هویت فردی انسان، نقش سازنده او را در فعالیت های اجتماعی گوشزد کند. در اسلام، انسان موجودی اجتماعی است که البته اجتماعی بودن

او را باید با فردیت او به عنوان یک انسان و یک مسلمان در نظر گرفت. بنابراین، در اسلام دامنه اصطلاح شهروندی بسیار گسترده تر از مفهوم امروزی است و می توان گفت: آنچه امروزه قیودات و شرایطی را برای شهروندی در نظر می گیرند، اعتباراتی بیش نیستند که حجت شرعی و اسلامی برای آن وجود ندارد. اسلام تعامل شهروند مسلمان در برابر حکومت اسلامی را تأیید می کند و برای آن حقوق و مسئولیت هایی را در نظر می گیرد. به طور کلی، «با وجودی که دین اسلام، عملاً به پیروان خود در سراسر جهان، ملیت ویژه ای بخشیده و همه را در زیر یک شعار و پرچم درآورده است، مع ذلک وابستگی آنان را به سرزمین، تاریخ و فرهنگ ملی خود انکار نکرده است» (اسلام و حقوق بشر، ۱۱۳:۱۳۵۸)

حقوق شهروندی

"اصطلاح حقوق شهروندی از دو واژه، حقوق و شهروند ترکیب یافته و معنای جدیدی را افاده می کند. حق از نظر لغوی و واژه شناسی کاربردهای گسترده و گوناگونی دارد که در اینجا تنها به دو مورد آن اشاره می شود: حق بهره یا نصیبی است که هر موجودی نسبت به دیگری دارد و آن دیگری ملزم به رعایت آن می باشد. به این مفهوم که هر کسی در هستی و جهان، متناسب با موقعیت خود در جامعه، سهمی در حیات و منابع زیر زمینی و رو زمینی دارد و دیگران ملزم هستند که به این حقوق احترام بگذارند و آنها را به رسمیت بشناسند" (احیای حقوق شهروندی، ص ۱۴).

حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا میشوند و نیز اطلاق عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت میکند. به عبارتی دیگر، مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض، برای فراهم سازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق میگیرد، حقوق شهروندی نام دارد. (هویت و خشونت، ۱۳۸۸، ۱۳۱).

حقوق شهروندی در منظر اسلام

از آنجایی که امنیت یک نعمت بی بدیل بوده و در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فضایی و غیره از نیازهای اصلی فرد و جامعه بوده و ایجاد گسترش آن نیز وظیفه احاد

ملت، حکومت ها و دولت هاست. هیچ مکتب یا نظام حقوقی نمی تواند خود را نسبت به موضوع امنیت بی تفاوت قلمداد نماید. زیرا امنیت گذشته از اینکه فی نفسه یکی از ضروری ترین نیازهای بشر است بلکه عامل مهمی برای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است اسلام نیز به عنوان یک نظام حقوقی جامع و مترقی که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی افراد در همه زمان ها و مکانها می باشد از این قاعده مستثنی نبوده و با ملاحظه متون دینی، احکام و مقررات اسلامی ملاحظه می شود که اهمیت امنیت در همه عرصه ها و راه حل‌های تحقق بخشیدن به امنیت اجتماعی بیش از سایر نظامهای حقوقی در دین اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است. از دیدگاه آیات و روایات نیز هم امنیت از نعمتهای بزرگ خداوند بوده و بر سایر نیازهای بشر اولویت دارد. (اسماالسادات نکویی زهرایی، ۱۳۸۹)

نظر اسلام، نه همچون مکتب حقوق طبیعی است، که ملاک قوانین و قواعد حقوق شهروندی را تنها واقعیات عینی بداند و نه مانند مکتب حقوق عقلی محض است که تنها دستورات عقل عملی را ملاک حقوق و قانون قرار دهد، و نه همانند مکتب حقوق پوزیتویستی است که قانون و حقوق شهروندی را دارای ماهیتی صرفاً قراردادی و اعتباری بداند، بلکه قواعد حقوقی اسلام، ماهیتی دو رویه و مزدوج دارد، یعنی دارای ماهیتی «اعتباری - واقعی» است اعتباری است از آن جهت که متعلق جعل و اراده خداوند قرار گرفته است و واقعی است از آن جهت که اراده تشریحی الهی همسوی با اراده تکوینی اوست و در نتیجه قوانین اسلام در تبیین حقوق شهروندی مبتنی بر واقعیات و مصالح و مفاسد نفس الامری است.

بنابراین می توان گفت قواعد حقوقی اسلام، نه صرفاً واقعیاتی مکشوف است و نه صرفاً اعتباری مجعول، بلکه اعتباراتی است مبتنی بر واقعیات، اعتباراتی که اعتبارکننده و جاعل آن خداوند علیم و حکیم است و برای شهروندان قوانینی بر اساس عدالت و برابری وضع نماید.

صیانت از حقوق شهروندی

صیانت از حقوق شهروندی از مهمترین اموری است که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به آن توجه لازم شده و این امر در اصل ۳ بندهای ۸، ۷، ۳ و ۱۴ و اصول ۱۹، ۲۰، ۲۱، ... الی ۴۱ و ۴۶، ۴۷ قانون اساسی منعکس می‌باشد. مصوبات متعدد شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی از جمله مصوبات جلسات ۵۶۶ و ۵۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی نیز گویای همین امر است. در عصر حاضر "رعایت حریم حقوق مردم در

عرصه های مختلف بعنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می شود. شهروندان عموماً با سلايق و انگیزه های مختلف در جامعه به فعالیت می پردازند. از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروههای مختلف جامعه می باشد که باید تحت نظم و قاعده های قانونی در آید. بدیهی است در صورت عدم وجود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف، تزویر حاکم شده و سبب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد. فلذا، دولتها و نهادهای عمومی در سده های اخیر با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط در پیش گرفته اند (دستمالچیان احمد، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، امروزه مسائل مربوط به جامعه بدلیل افزایش و تنوع ارتباطات و نیازمندیها توسعه فراوانی یافته است. نوع روابط و گستردگی باعث شده مسائل مستقل و جدیدی همچون مسئولیت های مدنی و کیفری در جامعه بروز و ظهور داشته باشد. اصلی ترین بحث در حیطه حقوق شهری، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری است. قانون اساسی بعنوان مهمترین منبع قانونی که اصول اساسی حقوق یک دولت در آن تبیین شده و تشکیلات و روابط بین قوای مختلف و قدرتهای عمومی و ... را بیان می نماید، متضمن قواعد کلی در خصوص جنبه های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی است.

ویژگی های حقوق شهروندی

ویژگی های حقوق شهروندی عبارت است از:

- ۱- جهانی است؛ زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر انسانی در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس یا دین، مستحق آن است.
- ۲- غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست؛ چراکه بدون آن نمی توان فرد را بشر نامید.
- ۳- تقسیم پذیر نیست.
- ۴- عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر و متمم و مکمل هم هستند.
- ۵- هدیه ای الهی است و هیچ مقام بشری این حقوق را اعطا نمی کند.

۶- حقوق ذاتی و فطری انسان است و از آن به صفات شخصیتی بشر تعبیر نمی شود و به هیچ قراردادی وابسته نیست (نصر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۵).

اهداف حقوق شهروندی:

هدف کلان، تأمین سعادت شهروندان و مدیران شهری از طریق ایجاد محیط شهری مناسب، برخوردار، هدفمند و یکپارچه برپاشده بر اساس قوانین الهی می باشد.

۱. بسط و گسترش تواناییهای شهروندان

۲. تقویت حس تعلق اجتماعی

۳. تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری

۴. ایجاد عدالت در برخورداری از فرصتها و امکانات

۵. ساماندهی و یکپارچه سازی امور شهروندان

۶. شناسایی و سنجش شاخصهای مرتبط با شهروندی

۷. بهبود و ارتقای شاخصهای مثبت شهروندی

۸. توسعه و تعمیم دانشها، نگرشها و مهارتهای مثبت و سازنده شهروندان

۹. تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق ، تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری

۱۰. مشارکت جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهر

۱۱. تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی

۱۲. بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت (دستمالچیان احمد، ۱۳۹۰)

مراحل دستیابی به حقوق و تکالیف شهروندی به ترتیب اجراء

۱. رده بندی شهروندان بر اساس سن، جنس و گروه‌های ویژه
۲. رده بندی نیازهای هر گروه با معیار (نیازهای جسمی، نیازهای روحی، نیازهای اجتماعی و نیازهای الهی)
۳. تعیین و سنجش وضعیت موجود و ترسیم وضعیت مطلوب
۴. تعیین اهداف کوتاه مدت، میان مدت، بلندمدت
۵. استخراج راهکارها و سیاستهای اجرایی
۶. آموزش و تقسیم وظایف و پیگیری اجرای آنها
۷. تولید ابزارها و محتواهای متناسب موردنیاز

انسان؛ موضوع حقوق شهروندی

انسان خلیفه الله در جهتی زندگی می کند که هم مبدأ کلی دارد و هم مرکز کلی. وی با علم به این مبدأ می کوشد تا کمال و تمامیت اولیه اش را احراز کند و انتقال دهد. مرکز کلی هستی بر محیط و پژواک مبدأ کلی در دوره های بعدی زمانی است. از دیدگاه معنوی، قلمرو حاکمیت زمینی انسان مشروط به تداوم آگاهی وی از طبیعت ناپایدار است و حقوق فطری بشر قابل انفکاک از او نیست. انگیزه تدوین حقوق بشر اگر بر مبنای «اصالت انسان» هم باشد، مطابق سنت الهی است و آحاد جامعه بشری از این حقوق برخوردار هستند؛ مگر این که به حکم شرع یا قانون - البته قانونی که مطابق با آموزه های حقوق شهروندی است- و در جهت حفظ حقوق دیگر شهروندان، از بخشی از این حقوق منع شده باشند.

به هر حال، مناط اعتبار قوانین، اراده تشریعی خداوند است و در سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) حقوق فطری بشر مورد تأکید و عنایت اسلام واقع بوده است؛ برای نمونه در قرآن کریم آمده است: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج/ ۳۹)

در این آیه، خداوند «مظلومیت» را علت اذن جهاد دانسته است.

و در این آیه: «وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ. إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری/ ۴۱ و ۴۲) مجازات ستمکاران را روا می داند.

نخستین حق هر شهروندی ایجاد زمینه های رشد اوست و محیط اجتماع باید فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵)

کرامت نوعی عنایت لطیف از خالق به مخلوق است که محدودیت زمانی یا مکانی ندارد، چون بر قدرت نامحدود خداوند متکی است و این قدرت در هر زمان می تواند جاری شود و عطیه ای الهی است که خاص کریم به سوی بندگانش میباشد.

مفهوم امنیت عمومی

"امنیت در لغت به معنی بی خوفی، امن، بی بیمی، ایمنی، جای امن و در امان بودن است" (دهخدا، ۱۳۷۷:۲۳۷۶)

مفهوم امنیت شهر گسترده تر از شهر ایمن است. ایمنی به طور ویژه حفاظت فیزیکی را دربر می گیرد. به عنوان مثال ایمنی در برابر بلایای طبیعی ماند زلزله، سیل، سرقت، خشونت و تصادفات رانندگی. اما امنیت شهر همه ابعاد مختلف شهر مانند امنیت اجتماعی، امنیت اعتقادی، امنیت روانی، امنیت اقتصادی و امنیت کالبدی را در بر می گیرد.

امنیت در متون اسلامی

تعریف امنیت

امنیت (Security)، مطلوب دیرینه و دغدغی همیشگی بشر است که با جوهر وجودی انسان پیوند محکم دارد و رفتار امنیت‌جویانه‌ی انسان‌ها به آغاز حیات انسانی برمی‌گردد، ولی آدمیان به‌ویژه به هنگام ناامنی، قدر و منزلت آن را بهتر و بیشتر درک کرده و تمام همّ خود را برای ایجاد و استقرار محیطی امن به کار می‌بسته‌اند، اما خاستگاه مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی پیرامون آن به‌صورت مدرن، به شکل‌گیری دولت ملی و مطرح شدن زمینه‌ای جدید برمی‌گردد که سابقه‌ی چندانی ندارد. امنیت در این قرائت مدرن، یک مفهوم سازه‌ای است که در هم‌نشینی با مفاهیمی دیگر چون قدرت، منافع، اهداف، مصالح زمان، مکان، تهدیدات و ... مصداق می‌یابد و اصولاً می‌توان مدعی شد که امنیت یک پدیده‌ی نسبی محسوب می‌شود و یک امر اقتضائی و بیناذهنی است و به‌عنوان تعیین‌کننده‌ی معیارهای دوستی و دشمنی، به عوامل متعدد برمی‌گردد.

علاوه بر این، اکثر روش‌شناسان بر این باورند که پدیده‌های اجتماعی-انسانی پیچیده‌تر از آن هستند که بتوان از منظر یک تئوری و روش‌شناسی واحد، به تحلیل و تبیین آن‌ها پرداخت. درک امنیت و تحول امنیتی در اسلام دربرگیرنده‌ی نگاه اسلام به سیاست، نظم، قدرت، جهاد، مقاومت و تهدید است که هم می‌توان آن را در بستر معنایی اسلام از مراجعه به کتاب و سنت و عقل درک کرد و هم در بستر تاریخی و سیاست عملی به‌دور از بحث‌های کلامی، در بین جامعه، از دانشمندان مسلمین دید و رویکردها را در مورد امنیت بررسی نمود. در تعریف امنیت، از دو روش استفاده می

شود نخست رجوع به منابع دینی و اصل قرار دادن مفهوم امنیت در متون دینی و دوم نگاهی تاریخی به مفهوم امنیت و سیر تاریخی تحول این مفهوم در تاریخ اسلام. (دستمالچیان احمد، ۱۳۹۰)

اسلام و امنیت

قرآن کریم تحقق امنیت را یکی از نشانه‌ها و شاخص‌های استقرار حاکمیت الهی و استخلاف صالحان می‌شمارد. قرآن در این باره می‌فرماید: «خدا به کسانی که از شما بندگان به خدا و حجت وی ایمان آوردید و نیکوکاری کردید، وعده فرمود که در زمین خلافت دهد؛ چنان‌که امم صالح پیامبران سلف، جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده‌ی آنان را بر همه‌ی ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه‌ی مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی‌هیچ شرک و ریا پرستش کنند.» (نور: ۵۵) از طرف دیگر، احساس امنیت را از خصایص مؤمن معرفی می‌کند: "اوست خدایی که سکینیت و وقار را بر دل‌های مؤمنان آورد" (فتح: ۴)

در آیه‌ی دیگر، خداوند خطاب به پیامبر، درباره‌ی روح مقاومت و سازش‌ناپذیری با کسانی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند، می‌فرماید: «پس تو و امت ای رسول، هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می‌کنند، پیروی مکن. کافران بسیار مایل‌اند که تو با آن‌ها مدهانه و مدارا کنی تا آن‌ها هم به نفاق با تو مدارا کنند.» (قلم: ۸-۹)

در آیات دیگر، خداوند جهاد را ابزاری برای تأمین امنیت در جامعه‌ی اسلام قلمداد نموده و می‌فرماید: «با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آیین دین خدا باشد.» (بقره: ۱۹۳) در آیه‌ی دیگر خداوند به رابطه‌ی توسعه و امنیت می‌پردازد و توسعه در جامعه را معلول امنیت به حساب آورده و می‌فرماید: «خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد؛ مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکم فرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کرد و از هر جانب، روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید.» (نحل: ۱۲)

توجه به آیات و روایات نشان می‌دهد که امنیت یکی از نیازهای ضروری است که پاسخ‌گویی به نیازهای دیگر در سایه‌ی آن تحقق می‌یابد و از منظر اسلام و فقه سیاسی، که عهده‌دار تنظیم رابطه‌ی مؤمنین در درون و در خارج از جامعه‌ی اسلامی است، امنیت به‌مثابه‌ی یک نیاز فطری دیده شده که بدون آن، رسیدن به سعادت و کمال بشری غیرممکن است. تأمین امنیت از وظایف

حکومت اسلامی است و اصولاً نظریه‌ی دولت در فقه سیاسی برحسب تأمین امنیت تفسیر می‌شود. امام علی (ع) فلسفه و ضرورت حکومت و همچنین قبول مسئولیت دولت را چنین بیان می‌کند: «خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانم تا بندگان ستم‌دیده ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع‌مانده‌ات اجرا گردد.» (نهج‌البلاغه) علی‌بن‌ابیطالب در جای دیگر بیان می‌دارد: وظیفه‌ی حکومت سه چیز است:

الف: اصلاح اهل یعنی ترقی و تعالی انسان‌ها و نسل‌های آدمی و تکامل استعداد‌های نهفته در هر انسان است.

ب: آبادانی کشور و توسعه و پیشرفت مادی جامعه‌ی اسلامی است.

ج: حفظ ثغور و حفظ مرزهای جامعه اسلامی

دولت در اسلام برآیند نیازها و احتیاجات واقعی مردم است و بر این اساس، کشف اولویت یک وظیفه بر سایر وظایف از منظر دینی، نیازمند مراجعه به متون دینی و استخراج اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مطالبات و احتیاجات مردمی از لابه‌لای آیات و روایات است. از آیات و روایت چنین به دست می‌آید که امنیت از نعمت‌های بزرگ خداوند و مقدم بر سایر نیازمندی‌های بشر است. امام صادق (ع) سه موضوع را نیاز همه‌ی آحاد بشر می‌دانند: امنیت، عدالت و فراوانی.

طراحی شهری و امنیت عمومی شهروندان

پیشگیری از جرم مانند پیشگیری از جرم منطقه ای یا پیشگیری از جرم به کمک طراحی محیطی اهمیت بسیاری دارد. والناتین (۱۹۹۰) اثبات کرد که درک یک مکان فیزیکی به صورت غیررسمی طراحی و طرح بندی مکان عمومی را کنترل و باعث افزایش اعتماد شهروندان برای بیرون رفتن شود او همچنین ده راهبرد طراحی را پیشنهاد داد که شامل این موارد هستند: موقعیتهای مورد استفاده، قابلیت دید در راهروها، نور، رنگ دیوارها، پل های عابر پیاده، کوچه ها، زیرگذر های مترو، مکان های دیدنی، توسعه راهای زمینی و پستوها و پله های مارپیچی. اورویکرد خود را به محیط اجتماعی گسترش داد.

زنان در حضور واقعی یا احتمالی دیگران احساس امنیت بیشتری میکنند، زیرا آنها تصور میکنند که متجاوزان از امکان وجود ناظران و مداخله آنها میترسند، در حالی که آنها اغلب در مکانهای وقوع جرم ازدخالت کردن امتناع میکنند (Mitar, Miran, 1996).

درک شهروندان از امنیت به شدت وابسته به این است که آنها چگونه مکانهای فیزیکی و اجتماعی را میشناسند و در آنها احساس امنیت میکنند بنابراین، روابط اجتماعی در یک مکان و در بین جمع، که آن مکان را تحت کنترل دارند، تأثیر مهمی روی میزان احساس امنیت شهروندان نسبت به طراحی آن دارد. متناسب با زمینه فرهنگی جامعه ایران، به نظر میرسد زنان و دختران در فضاهای شهری نیمه خصوصی نظیر محلات مسکونی نسبت به فضاهای شهری عمومی احساس امنیت بیشتری داشته و حضور برجسته تری دارند. ساختار محله ای که بیش از این به عنوان تامین کننده امنیت کارکرد خود را ایفا میکرد امروزه بر اثر به هم خوردن ساختار شهری به هم ریخته و مشکلات امنیتی زیادی را دامن گیر شهرها کرده است.

قشری از جامعه نسبت به برخی جرمها و موقعیتهای نسبت به بقیه بیشتر احساس ترس میکنند. آنها نسبت به دیگر اقشار جامعه احساس امنیت کمتری در حمل و نقل عمومی دارند اما در حقیقت دارای خطرات کمتری است. در مکانهای بسته، ترس به تعداد محدود راههای خروجی و شانس کافی برای متجاوزان در جهت پنهان شدن از دید دیگران مربوط میشود، بنابراین سطوح فعالیت و مکانهای بسته و محصور از عواملی هستند که بر سطوح ترس تأثیر میگذارند.

مسلمانان در فضاهای شهری زنان و کودکان مشکلات بیشتری تحمل میشود، مثلاً زنان نمی توانند آزادانه به هر فضایی وارد بشوند و یا از هر فضایی استفاده نکنند، چه پارکها و چه مکانهای ورزشی. در کشور ما بخاطر مسئله ی حجاب و شرایط فرهنگی زنان از فضاهای عمومی ورزشی نمی توانند استفاده کنند و حتما باید فضاهای سرپوشیده باشند البته به تازگی پارکهای اختصاصی برای زنان ایجاد شده است، اما زنان اغلب میخواهند با خانواده بروند پارک واز فضا استفاده کنند، در بسیاری موارد نمی شود که زنان به صورت تنها به این مراکز بروند. اینها بخشی از مسایلی است که پیش روی شهروندان هست (Moller, Bjorn, 2000).

راه حل تقلیل جرایم محیطی و ایجاد امنیت در خلق فضاهای جذاب شهری است، به نحوی که افزایش استفاده های هنجار موجب شود تا افراد ناباب مجبور به ترک فضا شوند.

سمبل شهر مسلمانان

در شهر اسلامی نباید ناهنجاری اجتماعی و بزهکاری وجود داشته باشد. سمبل شهر اسلامی نماز جمعه است و نماز جمعه وحدت‌آفرین است حتی غیرمسلمان می‌تواند در نماز جمعه بنشیند. پیاده‌رو و نه پیاده‌راه یکی دیگر از ویژگی‌های شهرهای اسلامی است. چیزی به اسم پیاده‌راه وجود ندارد با وجود این متأسفانه پیاده‌روها امروزه حریم امنی نیستند. مسجد در شهر اسلامی پناهگاه مردم است و شاید اولین مسجدی که در جهان اسلام طراحی و الگویی شد برای مساجد خانه پیامبر است به ابعاد ۵۶ در ۵۶ مترمربع که این مسجد الگوی مسجدهای اسلامی است. ۹ اتاق دارد با پوشش تیر و ستون، ۷۵ درصد مسجد حیاط است. این مسجد کارش خدمت به درماندگان است. خدمت درمانی، حقوقی و قضایی می‌کند، کسانی که در شهر مانده‌اند. اگر در شهر اسلامی کسی فقیر باشد به آن غذا می‌دهند، لباس بخواهد لباس می‌دهند. اگر کسی به مسجد رفت و ظلمی علیه او شد با داد از خود تظلم‌خواهی می‌کند اما چه می‌شود که اکنون جرایم و بزهکاری زیاد می‌شود؛ زمانی که از آموزه‌های دینی و شهراسلامی فاصله می‌گیریم.

در شهر اسلامی عدالت وجود دارد. عدالت سه انگاره دارد. برابری حقوق، فرصت و برخورداری. سومی نگاه کمونیستی است. نگاه اسلام برابری در فرصت‌ها و امنیت است و اینکه انسان‌های فکور در فضای شهر اسلامی رشد پیدا می‌کند. خوبی‌ها اگر رشد کند، بدی‌ها افول می‌یابد. در شهر اسلامی وحدت، همدلی و مودت توسعه می‌یابد. به همین تناسب ناهنجاری‌ها کاهش می‌یابد. ناهنجاری نسبت به هنجارها در اقلیتند اما ناهنجاری‌ها چون با فطرت بشر سازگاری ندارند پرننگ می‌شوند. از سوی دیگر، فقدان معماری اسلامی باعث تغییر سبک زندگی در ایران شده و این تغییر سبک باعث گسترش ناهنجاری‌ها در فضای عمومی و خصوصی شده است. شهر اسلامی با عناصر خود آرام‌بخش روح و جسم شهروندان است. زمانی که وارد مسجد می‌شویم چه احساسی داریم، جز آرامش و قرار؟ جایی که می‌گوییم الا به ذکرالله تطمئن القلوب؛ در شهر اسلامی تمام کارکردها برای ذکر خداست و همین ذکر جان انسان را جلا می‌دهد. شهر اسلامی روح انسان را تازه می‌کند و جان را جلا می‌دهد.

نتیجه گیری

نتیجه بررسی اینکه تا چه حد محصولات معماری و شهرسازی شکل گرفته در حکومت‌های اسلامی پس از پیامبر(ص) بر پایه عقل، به قرآن و سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نزدیک است. سهل انگاری و اهمال کاری در توجه به این نکات می تواند آثار جبران ناپذیری بر جامعه دینی - اسلامی ما بگذارد. رعایت حرایم، عدم استفاده از عوامل برهم زننده امنیت عمومی شهروندان، توجه به کاربریهای همجوار و بهره گیری از دستورالعمل هایی که محققان حوزه دین و شهرسازی اسلامی در خصوص موقعیت قرارگیری اماکن در شهرها تدوین کرده اند تا حد زیادی از بروز اشتباهات فاحش جلوگیری می کند و مانع سطحی نگری در امر ساخت اماکن و بویژه در ترکیب آنها با سایر کاربریها می شود.

معماری و شهرسازی یک جامعه هویت یک جامعه را به نمایش می گذارد و محلات شهری عرصه‌ای است که این هویت در آنها ظهور پیدا می کند. بنابراین طراحی و ایجاد محلات با هویت اسلامی در شهرها می تواند بیانگر فرهنگ، شهرسازی و در نتیجه هویت آن شهر و جامعه باشد.

آموزه های دین اسلام نه تنها در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها، بلکه در شکل گیری شهر به عنوان یک سلول تمدنی نیز تأثیر بسزایی داشته است. شهر اسلامی بر پایه ی آموزه های دین اسلام شکل گرفته و دارای صورتی ذهنی و مفهومی یگانه است که مبانی، ارکان، ساختار و صفات آن از کلام الهی قابل دریافت است. برای نمونه رعایت حقوق شهروندی به عنوان یکی از آموزه های قرآنی، همانطور که در متن مقاله بدان اشاره و بررسی شد، در ساختار شهر اسلامی نقش داشته؛ به گونه ای که با وجود اقوام، ادیان و مذاهب گوناگون، شهر اسلامی طوری سازمان یافته تا پاسخگوی نیازهای تمام شهروندان به طور مساوی و برابر باشد؛ به وجود آمدن محلات و مرکز محلات مستقل و خاص اقوام و ادیان- مراکز مذهبی، آموزشی و فرهنگی جداگانه و در برخی موارد مراکز فعالیتی و تجاری مشترک مانند بازار اصلی شهر و در نتیجه ایجاد حس تعلق خاطر و امنیت اجتماعی در تمام شهروندان با هر دین و آیینی، همه و همه مصداق هایی از تجلی آموزه های قرآنی و الهی در شهر اسلامی با اقوام و ادیان مختلف بوده است.

با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله چنانچه بخواهیم معماری و شهرسازی امروز جوامع و شهرهای مسلمان نشین را رنگ و بویی اسلامی ببخشیم و هویت کمرنگ شده آنها را به ایشان بازگردانیم و رشد نایافتگی اندیشه اسلامی را در این حوزه بارور کرده و به کمال برسانیم، چاره ای جز به میدان آوردن دوباره دانش و قوانین شریعت اسلامی نداریم. البته تقلید کورکورانه از نمونه های

گذشته و پرداختن به صورت، عملی بی معنا و اشتباهی بزرگ است. چنانچه معماری و شهرسازی اصیل و برگرفته از حاکمیت اصول و قواعد فقهی اسلامی را متناسب با زمان و مکان حال خواهان باشیم باید برگرفته از تحقیقاتی بنیادین و استخراج احکام مناسب از متون و منابع اصیل فرهنگ و اندیشه اسلامی یعنی قرآن و سنت بوده و پاسخهای درخور و قوانینی بروز و پاسخگو در طراحی شهرهای ایرانی - اسلامی تدوین شود.

منابع

- قرآن کریم
- اسمالسادات نکویی زهرایی، ۱۳۸۹، امنیت و حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام و قرآن، همایش منطقه ای علوم سیاسی و روابط بین الملل از دیدگاه اسلام، شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
- دستمالچیان احمد (۱۳۹۰)، کلیاتی راجع به حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی- وزارت کشور
- دهخدا (۱۳۷۷)، "لغت نامه دهخدا"، جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- فرهنگ فارسی امروز، تهران، نشر کلمه، ۱۳۷۳
- مارسل بوازار، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- محقق داماد و وصالی، مصطفی و سعید (۱۳۸۹)، نهج البلاغه و حقوق عمومی، فصلنامه النهج، شماره ۲۹
- Mitar, Miran, (1996) assessment of societal security in recent past and today, college of
- police and security studies, Slovenia,
- -Moller, Bjorn, (2000) National, Societal and Human Security Discussion – case study of the
- Israel – Palestine conflict,